

بررسی تطبیقی آراء آیت‌الله سبحانی و علامه طباطبایی و طنطاوی در موضوع جهان شمولی خطابات قرآنی

فرج‌اله عباسی*

چکیده

قرآن کتابی است جهانی و همه انسان‌ها مخاطب آن است. نداها و خطاب‌هایش، هیچ‌گونه رنگ و بوی نژادی، منطقه‌ای و طبقاتی ندارد. قرآن از همان آغاز، جهانی بودن رسالت رسول خدا ﷺ را اعلام کرد؛ رسالتی که همه مکان‌ها را در برمی‌گیرد و در همه زمان‌ها ماندگار می‌ماند و همه امور انسان‌ها را شامل می‌شود. با توجه به کتاب «مفاهیم القرآن» و «منشور جاوید» که از اولین تفسیرهای موضوعی قرآن کریم به زبان فارسی است و تفسیر ترتیبی «منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین» و کتاب‌های دیگر قرآنی؛ می‌توان به اهمیت بررسی دیدگاه مفسر گرانقدر آیت‌الله جعفر سبحانی در خصوص جهانی بودن قرآن و پاسخ به پندارهای منطقه‌ای بودن این کتاب الهی پی‌برد. نوشتار پیش‌رو، پندارهای منطقه‌ای بودن قرآن کریم و جهان شمول نبودن معارف آن را با نگاهی به پاسخ‌های آیت‌الله سبحانی و با رویکرد تطبیقی دیدگاه علامه طباطبایی و دکتر طنطاوی که بر تفسیر اثرگذار بودند؛ بررسی می‌شود تا این حقیقت بر همگان روشن گردد که آیات قرآن کریم و سیره رسول خدا ﷺ در رساندن معارف قرآنی به ایران، روم، حبشه و غیره، گویاترین دلیل بر فراگیری و جهانی بودن قرآن است.

واژگان کلیدی: قرآن، جهانی بودن، منطقه‌ای بودن، سبحانی، طباطبایی، طنطاوی.

*. کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن؛ f.abbasi1350@gmail.com

مقدمه

برخی بر این گمان‌اند که حضرت محمد ﷺ در مراحل آغازین دعوت خویش، یعنی در طول سال‌های اقامت در مکه و سال‌های نخستین اقامت در مدینه، در اندیشه جهانی کردن رسالت خویش نبوده و اسلام را به‌عنوان رسالت و دعوتی عربی و محدود به مکه و قبایل ساکن در جزیره العرب مد نظر داشته است و زمانی به فکر دعوت دیگر ملت‌ها به اسلام افتاد که زمام امور شهر مدینه را در دست گرفت و صلح‌نامه مشهور به «صلح حدیبیه» را با قریش امضا کرد. پس از آن بود که برای شاه ایران و امپراتور روم و مقوقس و نجاشی و دیگران نامه‌هایی ارسال کرد؛ این مستشرقان برای اثبات صحت ادعای خویش، به برخی از آیات از قرآن استدلال می‌کنند؛ از جمله:

— ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (شعراء: ۲۱۴)؛ «و نزدیکترین خویشاوندانت را هشدار بده».

— ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا﴾ (شوری: ۷)؛ «بدین صورت ما قرآنی عربی را بر تو نازل کردیم، تا به مردم ام‌القری [= مکه] و اطراف آن هشدار بدهی».

— ﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقٌ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا﴾ (انعام: ۹۲) (این کتاب مبارکی است که ما آن را فرو فرستاده‌ایم و تصدیق‌کننده کتاب‌های پیش از خویش است و تا این که مردم ام‌القری [= مکه] و اطراف آن را هشدار بدهی).

چنانچه شرق‌شناسان راجع به آیاتی که در زمینه فرامنطقه‌ای بودن اسلام در قرآن آمده است، تحقیق کافی می‌کردند، حقیقت برایشان آشکار می‌گردید و اگر واقعاً به دنبال بازشناختن حق بودند، به آن می‌رسیدند و آیات بسیاری را در مورد جهانی بودن رسالت محمدی می‌یافتند؛ به طوری که هرگونه شک و تردید ناشی از نگرش جزئی به برخی از آیات را از آنان برطرف می‌کرد و از این رهگذر به رسالت جهانی رسول خدا ﷺ و آموزه‌های قرآن پی می‌بردند.

نکته‌ای که جای شگفتی دارد، این است که این محققان آن دسته از آیاتی که آشکارا به جهانی بودن رسالت اسلام اشاره می‌کنند از دسته سوره‌های مکی هستند، کنار گذاشته؛ به آیاتی استناد می‌کنند که نه از منطقه‌ای بودن قرآن، بلکه از شروع





دعوت پیامبر سخن می‌گوید که می‌بایست دعوت ایشان از خویشاوندان شروع شود و بعد به شهر و سپس به اطراف شهر سرایت گردد و در آخر هم فرمانطقه‌ای شود و این لازمه هر دعوتی است. در واقع آیات مورد استناد برخی از این محققان برای منطقه‌ای بودن قرآن، در واقع آیات مربوط به مراحل تدریجی دعوت بوده است، درحالی که در مورد جهانی بودن رسالت اسلام (مبتنی بر برخی آیات قرآن کریم) به عبارتی دیگر، استناد این محققان در مورد منطقه‌ای بودن قرآن کریم به آیاتی است که مراحل اولیه دعوت اقوام و بستگان و محدوده‌ای در این اندازه، دعوت پیامبر را در برمی‌گرفت. (قرضاوی، ۱۳۸۲، ص ۷۹).

روش تحقیق

روش تحقیق این نوشتار، توصیفی - تحلیلی است و موضوع آن، تبیین دیدگاه مفسر بزرگ، آیت‌الله سبحانی در پاسخ به شبهات منطقه‌ای بودن قرآن و اثبات جهان‌شمولی آموزه‌های قرآن کریم و فرمانطقه‌ای بودن معارف قرآنی، از منظر این مفسر معاصر می‌باشد که به صورت منسجم گردآوری شده است و با توجه به تأثیر مبانی تفسیری علامه طباطبائی در میان مفسران و نیز اثرپذیری مفسران اهل سنت از مبانی تفسیری طنطاوی، نگرش این دو مفسر نیز با دیدگاه آیت‌الله سبحانی تطبیق داده می‌شود.

پیشینه تحقیق

دیدگاه این مفسر بزرگ درباره جهان‌شمولی بودن قرآن، به صورت پراکنده در کتاب‌هایش ملاحظه می‌شود؛ اما جمع‌آوری دیدگاه ایشان در یک نوشتار منسجم و نیز پاسخ‌های متقن، منطقی و مستدل ایشان به شبهات منطقه‌ای بودن قرآن کریم برای استفاده دانش‌آموختگان ضروری به نظر می‌رسد تا با استناد به مبانی و شاخصه‌های جهانی بودن قرآن، به تفسیر معارف قرآنی برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه پردازند؛ معارفی که هم متقن و همه‌جانبه است و هم فرمانطقه‌ای بوده و هم در همه عصرها کاربرد دارد و می‌تواند در حرکت جامعه به سوی کمال و سعادت را نقش آفرینی کند.

شناخت‌نامه‌ای از آیت‌الله سبحانی

یکی از مفسرانی که سالیان متمادی به تدریس، تبلیغ و تألیف کتاب‌های ارزنده علمی و خدمات جاودانه اشتغال داشته؛ اندیشمند معاصر، فقیه، اصولی، متکلم، رجالی،



تاریخ‌نگار و مفسر سترگ، حضرت آیت‌الله جعفر سبحانی تبریزی است. وی در ۲۰ فروردین ۱۳۰۸ شمسی در تبریز دیده به جهان گشود و پس از تکمیل سطوح عالی‌ه حوزه، راهی شهر مقدس قم شد و از محضر آیت‌الله بروجردی رحمته، آیت‌الله محمد حجت کوه‌کمری رحمته و امام خمینی رحمته بهره بردند.

حضرت آیت‌الله سبحانی تبریزی کتاب‌های ارزشمندی در زمینه قرآن به جامعه عرضه کرده است؛ از جمله تفسیر موضوعی «مفاهیم القرآن» در ۱۰ جلد؛ «منشور جاوید»، نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی در ۱۴ جلد؛ تفسیر ترتیبی «منیه الطالبین فی تفسیر القرآن المبین» و تفسیر جداگانه برخی از سوره‌ها و موضوعات مختلف قرآنی دیگر، مانند «مکتب وحی» (مفهوم امی بودن پیامبر)؛ «خاتمیت از نظر قرآن وحدیث و عقل»؛ «مرزهای اعجاز»، ترجمه بخشی از تفسیر البیان آیت‌الله خوئی رحمته؛ «برهان رسالت» (در زمینه قرآن و وجه اعجاز آن) و ... (نرم افزار مجموعه آثار آیت‌الله سبحانی تبریزی).

شناخت‌نامه‌ای از علامه طباطبایی

سید محمدحسین طباطبایی، معروف به «علامه طباطبایی»، مفسر بزرگ و مشهور دوران معاصر است که در سال ۱۲۸۱ شمسی در تبریز در میان خانواده‌ای اهل علم متولد شد. در سال ۱۲۹۷ وارد حوزه علمیه و در سال ۱۳۰۴ برای تکمیل تحصیلات خود عازم حوزه علمیه نجف گردید و در درس مرحوم آیت‌الله شیخ محمدحسین اصفهانی، مرحوم آیت‌الله نائینی، مرحوم آیت‌الله آقای سید ابوالحسن اصفهانی، مرحوم آیت‌الله حجت کوه‌کمری، مرحوم آقا سید حسین بادکوبی بهره‌ها برد. وی در آبان ۱۳۶۰ شمسی رحلت کرد.

تفسیر «المیزان» علامه طباطبایی یکی از منابع اصیل فرهنگ و معارف اسلامی در قرن اخیر به شمار می‌رود. این کتاب در واقع موسوعه‌ای است جامع، مشتمل بر مباحث عمیق قرآنی، حدیثی، فلسفی، عرفانی، ادبی، اخلاقی، تاریخی و اجتماعی که با طرحی بی‌سابقه و شیوه‌ای محققانه به رشته تحریر درآمده است. از علامه طباطبایی علاوه بر تفسیرالمیزان آثار قرآنی دیگری ذیل بر جای مانده است؛ از جمله «تفسیر البیان فی الموافقة بین الحدیث و القرآن» در شش جلد؛ «قرآن در اسلام»، «وحی یا شعور مرموز» و «اعجاز» (کتابشناسی نرم افزار جامع التفاسیر).

شناخت‌نامه‌ای از دکتر طنطاوی

دکتر محمد سید طنطاوی، از دانشمندان قرآن پژوه مصری است که در طنطا (شهری در شمال مصر) به دنیا آمد و مقدمات علوم را در همان‌جا آموخت. پس از آن در دانشکده زبان و ادبیات عرب دانشگاه بنگازی به تدریس پرداخت و به درجه استادیاری دانشگاه مذکور نایل آمد و پس از آن به فتوا در امور شرعی پرداخت. وی افزون بر تفسیر قرآن، کتاب دیگری با عنوان «بنو اسرائیل فی الکتاب و السنة» تألیف کرده است.

«التفسیر الوسیط للقرآن الکریم»، تألیف محمد سید طنطاوی، تفسیری است در پانزده مجلد، فراگیر همه سوره‌ها و آیات قرآن کریم، مبسوط، تحلیلی، ساده و روشن و دارای نثری روان و قابل فهم برای آشنایان با زبان عربی و این مفسر در تفسیر خود، در کنار رویکرد تحلیلی و اجتهادی، از روایات پیامبر ﷺ، مأثورات از صحابه و تابعین و اقوال مفسران پیشین و معاصر بهره فراوان برده است. مفسر سعی دارد تفسیری علمی، تحقیقی و پیراسته از اقوال و قصص ضعیف و باطل ارائه کند (کتابشناسی نرم افزار جامع التفاسیر).

مفهوم‌شناسی

۱. جهانی بودن

«جهانی بودن اسلام»، به این معنا است که این دین، به هیچ قوم، ملیت، نژاد و اقلیمی اختصاص ندارد، بلکه همه انسان‌ها را از هر ملیت و نژادی که باشند و در همه عصرها، در بر می‌گیرد. از همین رو معارف قرآن کریم در همه قرن‌ها و در همه فرهنگ‌ها تا روز قیامت جاودانه است (مصباح یزدی، ۱۳۷۰، ج ۱-۲، ص ۳۲۷).

بنابراین جهانی بودن قرآن، بدان معناست که آموزه‌های این کتاب الهی به زمانی خاص یا ملت یا گروهی ویژه اختصاص ندارد و به وسعت حیات انسان‌ها تا رستاخیز با

تمام اقوام و زبان‌ها و ملیت‌ها و فرهنگ‌ها به گفت‌وگو می‌پردازد. آیه ﴿إِنَّهُ فِي أُمَّ

الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلَى حَكِيمٍ﴾ (زخرف: ۴)؛ گویای آن است که خداوند در علم ازلی و قطعی خویش مقدر فرموده است که قرآن در مسیر جاودانه‌اش در جایگاهی والا مستقر باشد؛ جایگاهی که دست بی‌خردان از رسیدن بدان کوتاه است و پایه‌های آن استوار و معارف آن همواره در بستر زمان، بدون هیچ دشواری در حرکت و پویایی است (معرفت، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۱).





۲. منطقه‌ای بودن

اصطلاح «منطقه‌ای بودن قرآن»، بدان معناست که معارف قرآن کریم برای مردمی خاص نازل شده و آموزه‌های آن بر دیگر مناطق جهان حجت نیست و لزومی ندارد که دیگر مناطق جهان به آموزه‌های قرآنی ایمان بیاورند. «فرامنطقه‌ای بودن آموزه‌های قرآنی» نیز به این معناست که معارف این کتاب الهی به سرزمین و قوم و قبیله و نژادی خاص محدود نیست و قرآن، به زمان و مکان بستگی ندارد و به همان شاکله‌ای که ۱۴۰۰ سال قبل در محیط تاریک حجاز تجلی کرد، امروز بر ما تجلی می‌کند، بلکه گذشت زمان و پیشرفت علم و دانش به ما امکاناتی داده است که بتوانیم بیش‌تر از گذشتگان از معارف این کتاب استفاده کنیم. بی‌تردید هر چه رنگ زمان و مکان به خود نگیرد، تا ابد و در سراسر جهان پیش خواهد رفت. بدیهی است که «دین جهانی و جاودانی» باید سند حقانیت جهانی و جاودانی نیز در اختیار داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۳۰).

ناروایی پندار منطقه‌ای بودن قرآن کریم

قرآن کریم و سیره رسول خدا ﷺ گویای فراگیری و جهانی بودن قرآن است؛ اما به زعم برخی افراد (با استناد به آیاتی از قرآن کریم) قرآن رسالتی منطقه‌ای داشته و این‌گونه آیات دستاویزی برای شبهه افکنان شده است که البته با دقت در آیات مورد استناد آنها روشن خواهد شد که آیات مذکور بر منطقه‌ای بودن دعوت رسول الله ﷺ دلالتی ندارند.

۱. آیات انذار قوم و عدم تنافی با جهانی بودن قرآن

برخی شبهه افکنی می‌کنند که قرآن کریم وقتی رسول خدا ﷺ را معرفی می‌کند، وی را انذار کننده مکه و اطراف آن می‌داند و این گویای آن است که قرآن رسالتی جهانی نداشته، بلکه مأموریتی منطقه‌ای داشته است:

﴿وَلَكِنْ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَتْهُمْ مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ (قصص: ۴۶)؛ (و به خاطر رحمت و لطفی که از جانب پروردگارت بود، تو را از آن داستان باخبر ساختیم تا مردمی را که پیش از تو هشداردهنده‌ای برای‌شان نیامده بود، هشدار دهی. باشد که متوجه شوند و دریابند).

﴿فَإِنَّمَا يَسَّرْنَا بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُّدًّا﴾ (مريم: ۹۷)؛ (و ما

فقط آن [= قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزکاران را به وسیله آن بشارت دهی و دشمنان سرسخت را با آنان انذار کنی).

﴿بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ﴾ (سجده: ۳)؛ ولی آنان می‌گویند: آن را به دروغ به خدا بسته است؛ اما این سخن حقی است از سوی پروردگارت تا گروهی را انذار کنی که پیش از تو هیچ انذارکننده‌ای برای آنان نیامده است؛ شاید هدایت شوند).

﴿لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤَهُمْ فَهُمْ غٰفِلُونَ﴾ (یس: ۶)؛ (تا قومی را بیم دهی که پدرانشان انذار نشدند، از این رو آنان غافلند).

در دیدگاه آیت‌الله سبحانی، پاسخ این نگرش و پندار با کنار هم گذاشتن آیاتی از قرآن که برفراگیری و فرمانطقه‌ای بودن رسالت قرآن صراحت دارد؛ پاسخی آسان دارد:

یک: این آیات صراحت ندارد که رسول خدا ﷺ دیگر اقوام را دعوت نکند، بلکه آیات جهانی بودن قرآن تصریح می‌کند که دعوت قرآن دعوتی فرمانطقه‌ای است.

دو: در سوره یس که برخی به آیه‌ای از آن استدلال و تصور کرده‌اند که قرآن منطقه‌ای است نه جهانی؛ آیه‌ای دیگر وجود دارد که انذار کننده بودن رسول خدا ﷺ را به صراحت جهانی می‌داند: ﴿لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ (یس: ۷۰)؛ (تا افرادی را که زنده‌اند بیم دهد و بر کافران اتمام حجت شود).

این آیه دایره انذار پیامبر را از قوم و قبیله‌ای خاص فراتر دانسته و هر انسان زنده‌ای را مخاطب خود قرار داده است و چنین خطابی، هم جزیره العرب را شامل می‌شود و هم دیگر مناطق را که در آن مکان‌ها انسانی زندگی می‌کند و در آیه‌ای دیگر، رسول خدا ﷺ را انذار کننده مسیحیان و یهودیان می‌داند: ﴿وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا

اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا﴾ (کهف: ۴)؛ (و آن‌ها را که گفتند: خداوند، فرزندی انتخاب کرده است، انذار کند). این آیه نیز هم امت حضرت موسی و هم امت حضرت عیسی را فرا می‌گیرد؛ زیرا یهود، «عزیر» را فرزند خدا می‌دانستند و مسیحیان، حضرت عیسی را: ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ عَزِيرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾ (توبه: ۳۰)؛ (یهود گفتند: عزیر پسر خداست! و نصاری گفتند: مسیح پسر خداست! این سخنی است





که با زبان خود می‌گویند، که همانند گفتار کافران پیشین است. خدا آنان را بکشد، چگونه از حق انحراف می‌یابند؟!).

بر این اساس، آیات انذار به مقتضای مقام است؛ یعنی اول رسول خدا ﷺ باید قوم و عشیره خود را انذار کند: ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (شعراء: ۲۱۴)؛ (و خویشاوندان نزدیکت را انذار کن) و سپس اطراف مکه را تا برسد به مدینه و اطراف آن که یهود و نصاری بودند و سپس با نامه‌نگاری با فرمانروایان ایران، مصر و حبشه کل جهان را به یکتاپرستی دعوت کند.

بنابراین قرآن کریم به این نکته دلالت دارد که دایره دعوت رسول الله ﷺ برای هر فرد زنده‌ای است که قابلیت اندیشیدن را دارد و گستره این دعوت برای همه اقوام است؛ اعم از بستگان رسول الله ﷺ تا افراد ساکن در جزیره العرب و در نهایت دیگر مناطق این کره‌ی خاکی. در حقیقت فرایند دعوت پیامبر اقتضا می‌کند که دعوت از نزدیکترین‌ها شروع شود و سپس گسترش همگانی یابد: ﴿قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُم بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمْعُ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يَنْذِرُونَ﴾ (انبیاء: ۴۵)؛ (بگو: من تنها به وسیله وحی شما را انذار می‌کنم؛ ولی آنها که گوش‌هایشان کر است، هنگامی که انذار می‌شوند، سخنان را نمی‌شنوند). (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۴۳؛ ۱۴۲۱ق (الف)، ص ۵۳۳؛ ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۴۷؛ [بی‌تا]، ص ۱۶).

در این آیه، انذار برای مخاطبان است و در آیه دیگر، انذار جنبه عمومی دارد: ﴿أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكٰفِرُونَ إِنَّ هٰذَا لَسَجْرٌ مُّبِينٌ﴾ (یونس: ۲)؛ (آیا برای مردم، موجب شگفتی بود که به مردی از آنها وحی فرستادیم که مردم را بترساند و به کسانی که ایمان آورده‌اند، بشارت ده که برای آنها، سابقه نیک نزد پروردگارشان است؟! [اما] کافران گفتند: این مرد، ساحر آشکاری است) (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۱ق، (ب)، ج ۳، ص ۵۹؛ ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۴۷۷).

علامه طباطبایی نیز بر این باور است که دعوت رسول خدا ﷺ هر چند از اول جهانی بوده است؛ مرحله به مرحله صورت می‌گرفت به این فرایند که: آن حضرت، اول در مراسم حج مردم را به توحید دعوت کرد و با انکار شدید مشرکان مواجه شد. سپس مدتی به طور پنهانی آنان را دعوت کرد؛ در مرحله سوم،



مأمور شد نزدیکان خود را دعوت کند: ﴿وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (شعراء: ۲۱۴)؛ (و نزدیک‌ترین خویشاوندانت را هشدار بده)؛ در مرحله چهارم مأمور شد همه قومش را دعوت کند: ﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرَضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾ (حجر: ۹۴) (آنچه را مأموریت داری، آشکارا بیان کن! و از مشرکان روی گردان) و در مرحله پنجم، به دعوت عموم مردم جهان مأمور شد: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا...﴾ (اعراف: ۱۵۸)؛ (بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم...) (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۵۴۵).

ایشان در کتاب «قرآن و اسلام» نیز می‌نویسد: «قرآن مجید در مطالب خود، به امتی از امم، مانند امت عرب یا طائفه‌ای از طوائف مانند مسلمانان اختصاص ندارد، بلکه با طوائف خارج از اسلام سخن می‌گوید؛ چنان که با مسلمانان سخن می‌گوید و نیز به دلیل خطابات بسیاری که به‌عنوان کفار، مشرکین، اهل کتاب، یهود، بنی اسرائیل و نصاری دارد و با هر طائفه‌ای از این طوائف باحتجاج پرداخته، آنان را به سوی معارف حقه خود دعوت می‌کند و هرگز خطاب خود را به عرب بودن آنان مقید نمی‌کند؛ چنانکه در مورد مشرکین - بت پرستان - می‌فرماید: ﴿فَإِنْ تَابُوا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ﴾ (توبه: ۱۱)؛ (پس اگر از شرک توبه کردند و احکام دین را پذیرفتند؛ پس نماز به جای آوردند و زکات پرداختند، برادران دینی شما هستند و در تمام حقوق با سایر مؤمنان برابرند. ما آیات خود را به روشنی برای همه بیان می‌کنیم و تنها مردم دانا از آن بهره می‌برند) و در مورد اهل کتاب - یهود، نصاری و مجوس - می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (آل عمران: ۶۴) (بگو: ای اهل کتاب؛ بیایید به سوی کلمه‌ای که در میان ما و شما به طور مساوی پذیرفته شود و آن، این است که جز خدای متعال کسی را نپرستیم و شریک برای وی قرار ندهیم و برخی از ما برخی دیگر را خدایان خود اتخاذ نکنند).

چنان که می‌بینیم قرآن هرگز نفرموده است: «اگر مشرکان عرب توبه کنند»، یا نفرموده است: «ای اهل کتابی که از نژاد عرب می‌باشید» آری؛ در بدو طلوع اسلام که دعوت اسلام از جزیره العرب به بیرون سرایت نکرده بود، طبعاً خطابات قرآنی



نسبت به امت عرب بود؛ ولی از سال شش هجرت که دعوت به بیرون شبه جزیره راه یافت، هیچ موجبی برای توهم اختصاص نبود؛ گذشته از این آیات، آیات دیگری بر عموم دعوت پیامبر ﷺ دلالت می‌کنند:

﴿وَأُوحِيَ إِلَىٰ هَذَا الْقُرْآنِ لِأَنَّكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ﴾ (انعام: ۱۹)؛ (وحی شده است بر من این قرآن؛ برای این که شما را انذار کرده؛ بترسانم و هر که را که این قرآن - یا انذار - بوی برسد).

﴿وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ (قلم: ۵۲) و ﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ (ص: ۸۷)؛ (نیست قرآن مگر یاد آوری برای همهٔ جهانیان).

﴿إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكَبِيرِ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ﴾ (مذثر: ۳۶)؛ (به درستی این آیه یکی از بزرگ‌ترین آیات می‌باشد؛ در حالی که ترساننده بشر است).

علاوه بر آیات مذکور، به گواهی تاریخ، اسلام آوردن عده‌ای از ارباب مذاهب، مانند بت پرستان، یهود، نصاری و همچنین از امت‌های گوناگون اسلام آوردن افرادی مانند سلمان فارسی، صهیب رومی و بلال حبشی به ثبوت رسیده است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۵۳، ص ۲۳)، که این نکته گویای گسترهٔ دعوت پیامبر اکرم ﷺ و معارف قرآنی است. در نگاه طنطاوی، مفسر بزرگ اهل سنت نیز، انذار مردم مکه توسط رسول الله ﷺ با جهانی بودن دعوت آن حضرت همسان و سازگار می‌باشد: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (اعراف: ۱۵۸) (بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همهٔ شما هستم؛ همان خدایی که حکومت آسمان‌ها و زمین، از آن اوست؛ معبودی جز او نیست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش. آن پیامبر درس نخوانده‌ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد؛ و از او پیروی کنید تا هدایت یابید) روشن است که بیان قوم قریش در این گونه آیات، به این دلیل است که هدایت آنها لازمهٔ شروع دعوت رسول الله ﷺ می‌باشد و نیز ثابت‌کننده این نکته که رسول خدا ﷺ بر خویشان خود مهربان و دلسوز است و با جهان‌شمولی قرآن کریم منافاتی ندارد، زیرا آیات و روایات متواتر جهانی بودن دعوت رسول الله ﷺ را ثابت می‌کند. (طنطاوی، ۱۹۹۷م، ج ۱۰، ص ۲۸۷ و ج ۱۲، ص ۱۳).



این نکته به این اصل مهم اشاره می‌کند که اگر اسلام به منطقه عربستان منحصر بود، نمی‌بایست افراد دیگر مناطق به اسلام فراخوانده می‌شدند؛ در حالی که به گواهی تاریخ در عصر رسول‌الله ﷺ افرادی بدان حضرت ایمان آورده‌اند و نامه‌های حضرت به کشورهای دیگر، مانند ایران، روم و حبشه گویای دعوت جهانی رسول‌الله ﷺ می‌باشد.

۲. انذار ام‌القری و اطرافش و عدم تنافی با جهانی بودن قرآن

در قرآن کریم دو آیه وجود دارد که برخی صاحب نظران به منطقه‌ای بودن قرآن، به آن‌ها استناد می‌کنند:

﴿و هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِيُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَ مَنْ حَوْلَهَا﴾ (انعام: ۹۲)؛ (این کتاب مبارکی است که ما آن را فرو فرستاده‌ایم و تصدیق‌کننده کتاب‌های پیش از خویش است و تا اینکه مردم ام‌القری و اطراف آن را هشدار بدهی).

﴿وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَ مَنْ حَوْلَهَا وَ تُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فِرَاقُ فِي الْجَنَّةِ وَ فِرَاقُ فِي السَّعِيرِ﴾ (شوری: ۷)؛ (و این گونه قرآنی عربی را بر تو وحی کردیم تا ام‌القری و مردم پیرامون آن را انذار کنی و آنها را از روزی که همه‌ی خلائق در آن روز جمع می‌شوند و شک و تردید در آن نیست، بترسانی؛ گروهی در بهشتند و گروهی در آتش سوزان!).

استدلال آنان، این‌گونه است که «ام‌القری» یا اسم علم برای مکه است، یا این که نامی است که بر مکه اطلاق شده؛ هر چند ممکن است در جای دیگر مفهوم دیگری داشته باشد؛ به هر معنا که باشد، آیه بر منطقه‌ای بودن دعوت قرآن کریم و رسالت رسول‌الله ﷺ دلالت دارد.

از منظر آیت‌الله سبحانی، استدلال به این گونه آیات بر منطقه‌ای بودن دعوت رسول‌الله ﷺ خیلی ضعیف است. باید از استدلال‌کنندگان پرسید که چرا در همین سوره‌ی انعام، آیه‌ای را فراموش کرده‌اند که بر جهان‌شمولی رسالت حضرت محمد ﷺ دلالت دارد و خداوند به صراحت بر رسول‌خدا ﷺ دستور داده تا همه‌ی مناطق جهان هستی را انذار کند: ﴿وَ أَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ﴾ (انعام: ۱۹)؛ (و این قرآن بر من وحی شده، تا شما و تمام کسانی را که این قرآن به آنها می‌رسد، بیم دهم)؛ تصریح آیه بر این است که دعوت رسول‌خدا ﷺ به همه برسد، عرب باشد یا



عجم، شرقی باشد یا غربی؛ پس چرا به این آیه استناد نشده است، با اینکه هر دو آیه در یک سوره‌اند؟!

حق این است که رسول خدا ﷺ بر خلاف شیوه دیگر پیامبران کاری انجام نداده است؛ چنان که حضرت مسیح دعوتی گسترده داشت که از بنی اسرائیل فراتر بود؛ با این حال، دعوتش از بنی اسرائیل شروع شد: ﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾ (صف: ۶)؛ (و هنگامی را که عیسی بن مریم گفت: ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم؛ در حالی که تصدیق‌کننده کتابی هستم که قبل از من فرستاده شده است [= تورات] و بشارت‌دهنده به رسولی هستم که بعد از من می‌آید و نام او احمد است! هنگامی که او با معجزات و دلایل روشن به سراغ آنان آمد، گفتند: این سحری است آشکار).

درست است که خطاب اولیه حضرت عیسی به بنی اسرائیل بوده است، اما با گستره وسیع دعوت آن حضرت منافاتی نداشت. رسول خدا ﷺ نیز دعوتش را از مکه شروع کرد و خدا به او فرمود: ﴿لَتَنْذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا﴾ (انعام: ۹۲؛ شوری: ۷)، اما این امر الهی با گسترش دعوت آن حضرت به کل جهان منافاتی ندارد. بر همین اساس، رسول خدا ﷺ در ابتدای دعوت خود به این گستره تصریح داشتند: «يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِنِّي بُعِثْتُ إِلَيْكُمْ خَاصَّةً وَ إِلَى النَّاسِ عَامَّةً»؛ (ای فرزندان عبدالمطلب! همانا من برای شما و برای همه مردم مبعوث شده‌ام) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۸، ص ۳۴۳).

از این رو، چون سرزمین مکه شروع دعوت بود و هنوز زمینه گسترش دعوت فراهم نبود، خطاب‌ها نیز به قوم و اهل مکه صورت می‌گرفت؛ اما زمانی که زمینه فراهم شد، در همان مکه دعوت جهانی رسول الله ﷺ اعلام گردید:

﴿وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ (قلم: ۵۲)؛ (در حالی که این [= قرآن] جز مایه بیداری برای جهانیان نیست).

﴿لَأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ﴾ (انعام: ۱۹)؛ (این قرآن بر من وحی شده، تا شما و تمام کسانی را که این قرآن به آنها می‌رسد، بیم دهم).

با این نگاه، روشن می‌شود که دعوت رسول خدا ﷺ جهانی بوده؛ اما خطاب‌ها به تناسب شرایط اسلام بیان می‌شد و هر جا زمینه‌ای فراهم بود، جهانی بودن بر همگان



اعلام می‌گردید (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۱ق، (ب)، ج ۳، ص ۶۳) و این آیات و آیات دیگر بر این مطلب صراحت دارد که دعوت رسول الله ﷺ فراگیر و فرامنطقه‌ای و به سخن روشن تر، «جهانی» است و نمی‌توان با وجود این همه صراحت‌ها، منطقه‌ای بودن دعوت رسول الله ﷺ را مطرح کرد (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۳۳۴).

علامه طباطبایی با طرح این پرسش که اگر غرض از نازل کردن قرآن فقط انداز عرب زبان‌ها باشد، با جهانی بودن قرآن چگونه سازگاری پیدا می‌کند؟ به آن چنین پاسخ می‌دهد که دعوت پیامبر اسلام در جهانی شدنش تدریجی و مرحله به مرحله بوده و یکی از دلایلی که می‌رساند چنین مراتبی در دعوت اسلام بوده؛ این آیه است: ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ * إِنَّهُ هُوَ الْاَلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ﴾ (ص: ۸۷-۸۶)؛ (بگو: من برای دعوت نبوت هیچ پاداشی از شما نمی‌طلبم و من از متکلفین نیستم [و سخنانم روشن و همراه با دلیل است] این [قرآن] تذکری برای همهٔ جهانیان است). مخاطبان آیه کفار قریش است؛ اما می‌فرماید این قرآن هدایت و تذکر برای تمام عالمیان است و به یک قوم و دو قوم اختصاص ندارد و چون کتابی است همگانی، دیگر معنا ندارد که رسول خدا ﷺ از عرب اجر و پاداش مطالبه کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۲۰).

در واقع اسلام ترتیب را در میان مردم رعایت کرده و رسول خدا ﷺ برای تمامی انسان‌ها مبعوث بوده، بدون این که دینش انحصاری و دعوتش به قومی یا به مکانی و یا به زمانی معین اختصاص داشته باشد؛ زیرا می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يَحْيِي وَيَمِيتُ فَأَمْتُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ كَلِمَاتِهِ وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (اعراف: ۱۵۸)؛ (بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همهٔ شما هستم؛ همان خدایی که حکومت آسمان‌ها و زمین از آن اوست؛ معبودی جز او نیست؛ زنده می‌کند و می‌میراند. پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش؛ آن پیامبر درس نخوانده‌ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد و از او پیروی کنید تا هدایت یابید) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۵۳).

طنطاوی نیز بر این باور است که اگر قرآن، در ابتدا مکه و اطراف آن را محل و مکان دعوت رسول الله ﷺ دانسته است؛ برای این بوده که مکه و اطراف آن و اهل مکه به پیامبر نزدیک‌ترین مکان‌ها و نزدیک‌ترین افراد بودند؛ و لذا رسول الله ﷺ، در



ابتدا همه خویشاوندان خود را به ایمان دعوت می‌کند: ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (شعراء: ۲۱۴)؛ (و نزدیک‌ترین خویشاوندان را هشدار ده).

این آیات به معنای منطقه‌ای بودن معارف قرآن نیست؛ زیرا آیات فراوانی بر جهانی بودن دعوت رسول الله ﷺ صراحت دارد (طنطاوی، ۱۹۹۷م، ج ۱۳، ص ۱۶). از این رو دعوت پیامبر نه تنها جهانی و به انسان‌ها مربوط بوده، بلکه دعوت‌شان از انسان‌ها هم فراتر بوده است: ﴿وَ إِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصَبُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ﴾ (احقاف: ۲۹)؛ (و هنگامی که گروهی از جن‌ها را به سوی تو متوجه ساختیم که قرآن را بشنوند؛ وقتی حضور یافتند به یکدیگر گفتند: «خاموش باشید و بشنوید!» و هنگامی که پایان گرفت، به سوی قوم خود بازگشتند و آنها را بیم دادند).

۳. زبان قوم و سازگاری آن با جهانی بودن قرآن

از منظر عقل و خرد عرفی، عاقلانه نیست که پیامبری، فقط قوم و طایفه خود را هدایت کند و نسبت به سرنوشت آنان حساس باشد؛ اما مردم و اقوام دیگر سرزمین‌ها را به دین خود دعوت نکند. همه پیامبران بزرگ الهی، مانند حضرت ابراهیم، موسی و عیسی از گرایش همه مردمان و اقوام، به دین و شریعت خود استقبال می‌کردند و دست آنها را می‌گرفتند و آنان را هدایت می‌کردند و این رویکرد، مقتضای فلسفه نبوت و نجات بخشی پیامبران الهی است و در تاریخ نیز یک مورد پیدا نمی‌شود که پیامبری غیر هم‌زبان‌های خود را از گرویدن به دین و شریعت خویش مانع شده باشد. پس چگونه ممکن است این سخن را در حق خاتم پیامبران پذیرفت که چون زبانش عربی بود، فقط پیامبر عرب زبان‌ها بوده و درباره هدایت مردم بقیه مناطق و دیگر زبان‌ها غافل رسالتی ندارد؟!

آیاتی که به نزول قرآن به زبان عربی اشاره دارند، به هیچ وجه گویای این نکته نیستند که قرآن و دین اسلام مخصوص عرب زبان‌هاست و اقوام دیگر مخاطب قرآن نیستند؛ زیرا پیامبران در درجه اول با قوم خود (همان ملتی که از میان آنها برخاسته‌اند، تماس داشتند) و طبیعی است که نخستین شعاع وحی به وسیله پیامبران بر آنها بتابد و لذا پیامبر باید به زبان آنها و لغت آنها سخن بگوید تا حقایق را به روشنی برای آنان آشکار سازد؛ اما این مطلب به آن معنا نیست که رسالت وی به همان مردم و دارندگان همان زبان منحصر گردد.



آیت‌الله سبحانی در پاسخ به شبهه منطقه‌ای بودن قرآن (به دلیل عربی بودن آن) بر این باور است که سنت الهی و شیوه عقلا بر این است که هر دعوتی با زبان قوم باشد؛ اما اگر دعوتی فرامنطقه‌ای باشد و هر منطقه‌ای زبان خاصی داشته باشند، ترجمه دعوت به آن زبان‌ها کافی است و نزول آیات به همه زبان‌ها ضروری نیست؛ از این رو کتاب الهی به زبانی نازل شده که قوم پیامبر با آن صحبت می‌کرد و به عبارتی، معنا ندارد که رسول الهی با زبانی کتاب بیاورد که قوم خودش آن را متوجه نشوند و البته این نکته (نزول قرآن به زبان قوم رسول الله ﷺ؛ زبان عربی) مانع ترجمه آموزه‌های قرآن به دیگر زبان‌ها نیست.

علاوه بر این، در انزال کتاب الهی با زبان قوم عربی نکته ظریفی وجود دارد و آن اینکه قوم رسول خدا ﷺ به راحتی زبان غیر عربی را نمی‌پذیرفتند: ﴿وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ * فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ﴾ (شعراء: ۱۹۹-۱۹۸)؛ (هر گاه ما آن را بر بعضی از عجم‌ها نازل می‌کردیم و او آن را بر ایشان می‌خواند، به آن ایمان نمی‌آوردند).

لذا خدای حکیم، قرآن را به زبانی فرستاد که عرب‌ها بدان ایمان آورند و عذری نداشته باشند و بر اساس همین تعصب عرب بود که رسول خدا ﷺ تمام تلاش خود را صورت داد تا آنها را به سمت اسلام هدایت کند و بر این اساس خداوند کتابی را که نازل کرد، به زبان قومی بود که پیامبر از میان آنها برانگیخته شده بود و از این رهگذر پیامبر توانست تعصبات آنها را زایل کند؛ قرآن در این زمینه چنین اذعان می‌دارد: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (ابراهیم: ۴)؛ (ما هیچ پیامبری را، جز به زبان قومش، نفرستادیم؛ تا [حقایق را] برای آنها آشکار سازد. سپس خدا هر کس را بخواهد [و مستحق بداند] همراه، و هر کس را بخواهد [و شایسته بداند] هدایت می‌کند؛ و او توانا و حکیم است).

آیت‌الله سبحانی با بیان این نکات، نتیجه می‌گیرند که آیات مورد استناد برخی از شبهه‌افکنان بر منطقه‌ای بودن قرآن، هیچ گونه دلالتی بر مدعای آنها ندارد و آیه صراحت دارد که کتاب آسمانی به زبان قومی بوده که پیامبر در میانشان مبعوث شد؛ اما بر این نکته دلالتی ندارد که کتاب این پیامبر با زبان همه اقوام باشد؛ همان گونه



که حضرت ابراهیم مردم حجاز را دعوت کرد؛ در حالی که خودش عرب اصیل نبود. حضرت موسی، فرعون را به ایمان دعوت کرد که زبان فرعونیان قبطی بود؛ در حالی که زبان تورات عبری است و رسول خدا ﷺ، یهود و نصاری را به اسلام دعوت کرد؛ برخی از آن‌ها نیز دعوت پیامبر را پذیرفتند و برخی دیگر ایمان نیاوردند (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۱ق، (ب)، ج ۳، ص ۷۰).

علامه طباطبایی در پاسخ به این پرسش که پیغمبرانی که برای بیش از یک امت مبعوث شده‌اند، چه وضعی داشته‌اند؟ آیا همه آنان زبان همه اهل عالم را می‌دانسته و با اهل هر ملتی به زبان ایشان سخن می‌گفته‌اند یا نه؟ می‌گوید: داستان‌های زیر بر این مطلب دلالت می‌کنند که پیامبران الهی اقوامی را که اهل زبان خود نبوده‌اند نیز به آیین خود دعوت می‌کردند. مثلاً حضرت ابراهیم خلیل با این که خود، «سریانی» زبان بود، عرب حجاز را به عمل حج دعوت کرد و موسی با این که «عبری» بود، فرعون و قوم او را که «قبطی» بودند به ایمان به خدا دعوت فرمود و پیغمبر بزرگوار اسلام هم یهود عبری زبان و نصاری رومی زبان و غیر ایشان را دعوت فرمود و هر که از ایشان که ایمان می‌آورد ایمانش را می‌پذیرفت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۹) و این نکته گویای آن است که آن پیامبران، زبان اقوام مورد دعوت خود را می‌دانسته‌اند.

علامه در جای دیگر، عصر نزول را این گونه بیان می‌کند: اگر کسی در وسعت معارف و قوانین اسلام دقت کند و نیز در نظر بگیرد که در ایام نزول قرآن و بعثت آن جناب، دنیا در چه وضعی به سر می‌برد و ظلمت جهل و پلیدی فساد و ظلم تا چه حد رسیده بود؛ هیچ تردیدی برایش باقی نمی‌ماند که در آن روز، ممکن نبوده که اسلام یکباره شرک و فساد را از دنیا ریشه کن کند و تصدیق می‌کند که لازم بوده دعوت را در میان بعضی از طوایف ساکنان زمین، شروع کند و به ناچار این طایفه، همان قوم خود رسول الله ﷺ باشد و بعد از آنکه دین خدا در میان عرب جای خود را باز کرد به تدریج در بین غیر عرب هم راه یابد و چنان که این گونه شد و لذا خدای تعالی در این باره فرمود: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِنُذِرَ الْقَوْمَ لِقَوْمِهِمْ﴾ (ابراهیم: ۴)؛ (ما هیچ رسولی را نفرستادیم، مگر به زبان قومش، تا دین خدا را برای آنان بیان کند) و نیز فرمود: ﴿وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ﴾ (شعراء: ۱۹۹)؛ (و اگر این دین و این قرآن را بر بعضی از افراد عجم نازل می‌کردیم تا او قرآن



را بر عرب بخواند، هرگز عرب به وی ایمان نمی‌آورد) آیاتی هم که بر این نکته دلالت می‌کنند که دعوت اسلام و اندازش ارتباطی با عرب دارد؛ بیش از این دلالت ندارد که عرب هم یکی از طوایفی است که باید به وسیله قرآن دعوت و انداز شود. از این گذشته، زبان عربی امتیاز مهمی دارد و آن، این که هیچ زبانی غیر عربی نمی‌توانست معانی و مقاصد قرآنی را قالب‌گیری و به نحو اتم و اکمل در ذهن شنونده منتقل کند. به همین دلیل خدای سبحان برای کتاب خود از میان همه زبان‌ها، زبان عربی را انتخاب کرد و فرمود: ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (زخرف: ۳)؛ (ما آن را قرآنی عربی کردیم تا شاید شما در آن تعقل کنید) (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۵۴).

قرآن کریم در نگاه طنطاوی از دو وجه نعمت و احسان را تکمیل کرده است:

یک: نعمت و احسان به رسول خدا ﷺ که وی را برای همه مردم مبعوث کرد.

دو: نعمت و احسان به مردم؛ زیرا رسولی را فرستاد که با زبان آنها سخن می‌گفت و البته لازم نیست که قرآن به همه زبان‌های دنیا نازل شود؛ زیرا ترجمه قرآن به دیگر زبان‌ها این نیاز را برطرف می‌کند و اگر به زبان عربی قرآن نازل شده است، برای این بوده که نزدیک‌ترین قوم به دعوت اولیه آن حضرت، عرب زبان بود؛ وگرنه قرآن برای همه مردم جهان است (طنطاوی، ۱۹۹۷م، ج ۷، ص ۵۱۳).

۴. صالحین اهل کتاب و عدم تنافی با فرامنطقه‌ای بودن قرآن

عده‌ای تصور می‌کنند که قرآن کریم برخی از اهل کتاب را جزو افراد صالح معرفی می‌کند و این بدان معناست که اگر دعوت قرآن فراگیر بود، می‌بایست همه را به ایمان آوردن به اسلام ملزم می‌کرد، نه اینکه اهل کتاب را به خاطر پایبندی به دین خودشان، از صالحان بداند و در واقع آنان مدعی هستند که قرآن با طرح این افراد به‌عنوان صالحان امت‌شان، روی سخن، با آن‌ها دارد، نه با همه و آنان را به اسلام فرا می‌خواند:

﴿لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ *

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسْرِعُونَ فِي

الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (آل عمران: ۱۱۴-۱۱۳)؛ (آنها همه یکسان نیستند؛ از

اهل کتاب، جمعیتی هستند که قیام می‌کنند و پیوسته در اوقات شب، آیات خدا را می‌خوانند؛ در حالی که سجده می‌کنند؛ به خدا و روز دیگر ایمان می‌آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در انجام دادن کارهای نیکه پیشی می‌گیرند و آنها از صالحانند).



آیت‌الله سبحانی پاسخ این سوال را روشن‌تر و ساده‌تر از پاسخ قبلی دانسته و می‌نویسد: اگر کسی به سیاق آیات مراجعه کند، درمی‌یابد که مراد از صالح بودن برخی از اهل کتاب روشن است: قرآن کریم اکثر اهل کتاب را به خاطر نپذیرفتن حقیقت و ایمان نیاوردن به رسول خدا ﷺ، فاسق معرفی کرده است: ﴿وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (آل عمران: ۱۱۰)؛ (و اگر اهل کتاب ایمان آورند، برای آنها بهتر است! عده کمی از آنها با ایمانند و بیشتر آنها فاسقند). پس تقسیم بندی اهل کتاب به صالح و فاسق، تقسیم بندی از منظر ایمان است نه از زاویه گستره دعوت.

در این آیه ایمان آوردن اهل کتاب به اسلام برای آنها «خیر» معرفی شده است و دنباله آیه بر پیروزی اسلام و شکست کفار مژده می‌دهد: ﴿لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ﴾ * ضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ أَيْنَ مَا تَفْقَهُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَ حَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ وَ بَاءُوا بِعَصَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَ ضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ﴾ (آل عمران: ۱۱۲-۱۱۱)؛ (آنها هرگز نمی‌توانند به شما زیان برسانند، جز آزارهای مختصر و اگر با شما پیکار کنند، به شما پشت خواهند کرد. سپس کسی آنها را یاری نمی‌کند. هر جا یافت شوند، مهر ذلت بر آنان خورده است؛ مگر با ارتباط به خدا و با ارتباط به مردم و به خشم خدا، گرفتار شده‌اند و مهر بیچارگی بر آنها زده شده؛ چرا که آنها به آیات خدا، کفر می‌ورزیدند و پیامبران را بناحق می‌کشتند. اینها به خاطر آن است که گناه و تجاوز می‌کردند).

این گونه آیات گویای این حقیقت هستند که درست است اکثر آنها ایمان نمی‌آورند؛ در میان اهل کتاب نیز افراد صالحی هستند که دعوت قرآن را می‌پذیرند و این، به معنای دعوت عمومی‌تر است و اهل کتاب هم می‌بایست به این دعوت پاسخ دهند و هر کس پاسخ نداد، فاسق و هر کس ایمان آورد، صالح است. به دیگر سخن، صالح بودن برخی از اهل کتاب در گرو ایمان آوردن به اسلام می‌باشد و این آیات گویای این نکته نیست که آنها بدون اسلام آوردن هم می‌توانند از نجات یافتگان باشند (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۱ق، (ب)، ج ۳، ص ۶۰).



پاسخ دیگر آیت‌الله سبحانی به این شبهه آن است که آیه در بیان رد باورهای غلط و باطل یهود و نصاری است، نه پذیرفتن شرایع آنها و سپس این باورهای باطل را چنین ترسیم می‌کند:

یک: رد قوم‌گرایی:

یهود و نصاری هر کدام خود را بهترین و برترین قوم روی جهان می‌پنداشتند؛ در حالی که قرآن آن را رد کرده و والایی را به تقوا دانسته است، نه یهودی یا نصاری بودن: ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُل فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾ (مائده: ۱۸)؛ (یهود و نصاری گفتند: ما فرزندان خدا و دوستان او هستیم. بگو: پس چرا شما را در برابر گناهانتان مجازات می‌کند؟! بلکه شما هم بشری هستید از مخلوقات که آفریده؛ هر کس را بخواهد، می‌بخشد؛ و هر کس را بخواهد، مجازات می‌کند؛ و حکومت آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آنهاست، از آن اوست؛ و بازگشت همه موجودات، به سوی اوست).

دو: نجات انسان‌ها در گرو عمل:

یهود و نصاری بر این پندار بودند که انتساب به شریعت موسی یا عیسی عامل نجات است! قرآن این پندار را رد کرده و عمل را شرط نجات دانسته است: ﴿وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره: ۱۱۱)؛ (آنها گفتند: هیچ کس، جز یهود یا نصاری، هرگز داخل بهشت نخواهد شد. این آرزوی آنهاست! بگو: اگر راست می‌گویید، دلیل خود را بیاورید).

سه: اصالت با توحید نه به یهودی یا نصاری بودن:

این دو طایفه، حقیقت هدایت را در یهودی و نصاری بودن می‌دانستند؛ در حالی که قرآن این باور را رد کرده و اصل را پذیرش توحید دانسته است: ﴿وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (بقره: ۱۳۵)؛ (گفتند: یهودی یا مسیحی شوید، تا هدایت یابید! بگو: بلکه از آیین خالص ابراهیم پیروی کنید! و او هرگز از مشرکان نبود).



بنابراین، قرآن در این آیات اندیشه‌های قوم‌گرایی یهود و نصاری را رد می‌کند و لذا از این آیات نمی‌توان منطقه‌ای بودن معارف قرآن را ثابت کرد (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۴۷۹).

در نگاه علامه طباطبایی، ظاهر آیه دلالت دارد که امر به معروف؛ نهی از منکر؛ تحلیل طبیعت؛ تحریم خبائث و برداشتن تکالیف شاقه جعلی و غیر الهی، تنها و تنها در اسلام یافت می‌شود؛ هر چند در سایر ادیان نمونه‌ای از هر یک آنها دیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۶۴). بنابراین این آیات بر منطقه‌ای بودن قرآن کریم دلالتی ندارد و بلکه دعوت اهل کتاب به ایمان آوردن به حضرت محمد ﷺ، گویاترین دلیل بر فرمانطقه‌ای بودن معارف قرآنی است که اهل کتاب را به اسلام دعوت کرده و در آن عصر اهل کتاب نه فقط در عربستان، بلکه مجوسیان در ایران و عمده مسیحیان در روم و کشورهای اروپایی را شامل می‌شد و این همان، معنای دقیق جهانی بودن و فرمانطقه‌ای بودن قرآن کریم می‌باشد.

طنطاوی نیز بر این باور است که قرآن کریم بیان می‌کند که همه اهل کتاب گمراه نیستند: ﴿وَمِنْ قَوْمٍ مُّوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾ (اعراف: ۱۵۹)؛ (و از قوم موسی، گروهی هستند که به سوی حق هدایت و به حق و عدالت حکم می‌کنند).

مراد از این قوم هدایت شده به حق، افرادی هستند که به رسول خدا ﷺ ایمان آورده باشند و این نشانه‌ای از عدالت و انصاف قرآن کریم است که همه را یکسان نمی‌بیند:

﴿لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ ءِذَا نَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ * يَوْمُنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (آل عمران: ۱۱۴-۱۱۳)؛ (آنها همه یکسان نیستند: از اهل کتاب، جمعیتی هستند که قیام می‌کنند و پیوسته در اوقات شب، آیات خدا را می‌خوانند؛ در حالی که سجده می‌کنند؛ به خدا و روز دیگر ایمان می‌آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در انجام دادن کارهای نیکه پیشی می‌گیرند و آنها از صالحانند) (طنطاوی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۲۵ و ص ۳۸۱ و ج ۵، ص ۳۹۶).

بر این اساس، قرآن با این آیات، جهانی بودن معارف خود را به صراحت بیان می‌کند که اگر مخصوص یک قوم بود، نمی‌بایست اهل کتاب را که در کشورهای مختلف بودند، به اسلام دعوت و از ایمان آوردگان تکریم کند.

نتیجه‌گیری

ملاحظه و در کنار هم نهادن آیاتی که برفراگیر و فرامنطقه‌ای بودن رسالت قرآن صراحت دارند، این نکته به دست می‌آید که آیاتی که می‌گویند رسول خدا ﷺ، خویشاوندان، قوم، مردم مکه و اطراف آن را به اسلام دعوت می‌کردند، بر منطقه‌ای بودن قرآن دلالتی ندارند؛ زیرا لازمه دعوت هر رسولی این است که اول خویشاوندان، قوم، شهر و اطراف محل سکونت خود را دعوت کند و سپس دعوتش را گسترش دهد. رسول خدا ﷺ، همین سیر دعوت را انجام دادند و بعد از دعوت اهل مکه و مدینه، دیگر ادیان را به اسلام دعوت و از ایمان آوردگان اهل کتاب تمجید کردند تا این پندار از بین برود که اهل کتاب، در زمینه ایمان آوردن بر رسول الله ﷺ مکلف نبودند. قرآن هیچ وقت آنها را معذور نمی‌داند. از سوی دیگر دعوت می‌بایست با زبان همان قومی باشد که دعوت رسول الله ﷺ از آن جا شروع می‌شود و برای دعوت بقیه مردم جهان که زبان دیگری دارند، ترجمه قرآن به آن زبان‌ها کافی است.





فهرست منابع

قرآن کریم

۱. سبحانی تبریزی، جعفر، منشور جاوید، قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۳.
۲. _____، *الالهيات*، چاپ دوم، قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۱ق.
۳. _____، *بحوث فی الملل والنحل*، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۴. _____، *أضواء على عقائد الشيعة الإمامية*، تهران: مشعر، ۱۴۲۱ق (الف).
۵. _____، *مفاهيم القرآن*، چاپ چهارم، قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۱ق (ب).
۶. _____، *العقيدة الإسلامية*، قم: موسسه امام صادق علیه السلام، [بی تا].
۷. طباطبایی، محمدحسین، *الميزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۸. _____، *قرآن در اسلام*، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳.
۹. طنطاوی، محمد، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، قاهره: نهضة مصر، ۱۹۹۷م.
۱۰. قرضاوی، یوسف، *قرآن منشور زندگی*، تهران: احسان، ۱۳۸۲.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، چاپ دوم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی، *آموزش عقاید*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۳. معرفت، محمدهادی، *التفسیر و المفسرون فی توبه القشيب*، چاپ دوم، مشهد: الجامعة الرضوية للعلوم الاسلامیه، ۱۳۸۳.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، چاپ سی و دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

نرم افزار:

۱. نرم افزار مجموعه آثار حضرت آیت الله سبحانی تبریزی.
۲. نرم افزار جامع التفاسیر.